

پیشگیری از بزهدیدگی کودکان و نوجوانان در مواجهه

با جرائم جنسی

عاطفه عباسی^۱ و عطیه رنگچی تهرانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: باوجود جرم‌انگاری جرائم جنسی علیه کودکان و نوجوانان در قالب جرائم حدی و تعزیری و پیش‌بینی پرداخت دیه به خسارت‌دیده جرائم یادشده در قالب دیه ازاله بکارت و غیر آن، همچنان نرخ ارتکاب جرائم جنسی علیه کودکان قابل ملاحظه است و نشانگر ناکامی حقوق کیفری در برخورد با این جرائم است. کودکان و نوجوانان قربانی جرائم جنسی، ممکن است بزهکار جرائم یادشده نیز باشند و در صورت اثبات بزهکاری، به دلیل دارا بودن شرایط اهلیت کیفری، دارای مسئولیت کیفری مقرر در مواد ۸۸ تا ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ هستند. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و گردآوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای انجام شد. به این منظور کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های مرتبط مطالعه و ادبیات متناسب با موضوع پژوهش استخراج شد.

یافته‌ها و نتایج: برای کاهش نرخ بزهدیدگی و گاهی بزهکاری ایشان، ضروری است از روش‌هایی غیر از مجازات، یعنی راهکارهای پیشگیرانه غیرکیفری استفاده شود. پیشنهاد می‌شود از پیشگیری وضعی و اجتماعی در سه سطح اولیه، ثانویه و ثالث برای کاهش نرخ بزهدیدگی کودکان بهره‌برداری شود. با به کارگیری تدابیر پیشگیرانه مزبور از یک سو ضریب ایمنی بزهدیده افزایش یافته و وی نقش مؤثر و فعالی در کاهش آماج تحقق جرم ایفا می‌کند و از سوی دیگر این اقدامات موجب افزایش هزینه ارتکاب جرم می‌شود. همچنین با شناسایی عوامل خطر و علل ارتکاب جرم، نسبت به حذف یا خنثی کردن عوامل مؤثر در تکوین جرم نیز اقدام خواهد شد. از این رهگذر می‌توان با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، به اصلاح و حذف علل جرم‌زا از طریق بهبود وضعیت بهداشتی، زندگی خانوادگی، آموزش و پرورش، بهبود اوضاع مربوط به سکونت‌گاه، اوقات فراغت و مانند آنها، دست یافت.

کلیدواژه‌ها: کودک، نوجوان، جرائم جنسی، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی.

□ استناد: عباسی، عاطفه و رنگچی تهرانی، عطیه. (۱۳۹۸). پیشگیری از بزهدیدگی کودکان و نوجوانان در مواجهه با جرائم جنسی. فصلنامه

رهیافت پیشگیری، ۲(۱)، صص ۷۷-۹۶.

۱. استاد یار گروه حقوق. پردیس خواران دانشگاه امام صادق (ع). (نویسنده مسئول). رایانامه: atefehabbasi@isu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع). پردیس خواران. تهران. ایران. رایانامه: a.r.tehrani94@gmail.com

مقدمه

ارتکاب جرائم جنسی علیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بر اساس حدی یا تعزیری بودن عمل ارتكابی، جنسیت قربانی و مرتکب جرم و بلوغ یا غیر بالغ بودن قربانی، با واکنش کیفری حبس، شلاق، اعدام و مانند آن، مواجهه می‌شود. واکنش‌های مزبور، جنبه اربعابی و پسینی داشته و به پیشگیری از جرائم جنسی نمی‌انجامد. همچنین قادر به جبران خسارات جسمی، روانی و عاطفی وارد بر کودک و نوجوان نیز نیست. بنابراین ضروری است به راهکاری دست یافت که نرخ ارتکاب جرائم یادشده را بکاهد و در صورت نیاز از بیش قربانی شدن کودکان و نوجوانان بکاهد. به این منظور می‌توان از روش‌های پیشگیرانه غیرکیفری بهره جست. این نوشتار در سه سطح اولیه، ثانویه و ثالث، چگونگی پیشگیری غیر کیفری از جرائم جنسی علیه افراد زیر ۱۸ سال را تبیین کرده و به دنبال پاسخ به این پرسش است که با چه اقدامات پیشینی می‌توان نرخ ارتکاب جرائم جنسی علیه جامعه هدف را کاست؟

پیشینه: موضوع پژوهش پیش از این نیز در کتب و مقالات چندی از جمله کتاب پیشگیری از جرائم جنسی به قلم آقای عزیز، مقاله پیشگیری وضعی از جرائم جنسی به قلم آقای توحیدی و خانم فضل، مقاله نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب و پیشگیری از جرائم جنسی به قلم آقایان حسینی و صفری پرداخته شده است. در این آثار ارزشمند به طور ویژه به موضوع کودکان زیر ۱۸ سال پرداخته نشده و با توجه به گزارش‌های اخیر از ارتکاب جرائم یادشده به ویژه در محیط‌های علمی و فرهنگی علیه دانش‌آموزان کودک و نوجوان، ضرورت نگارش مقاله احساس شد.

مبانی نظری: بزه‌شناسی عبارت از مطالعه علمی ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی بزه‌دیده و بررسی نقش او در ارتکاب جرم و شناخت کلیه مسائلی است که به بزه‌دیده مربوط می‌شود که راه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی یکی از این موارد است (توجهی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۷۳). بزه‌دیده بنا بر ماده ۱ بخش الف از اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵)، شخصی است که در پی فعل یا ترک فعل ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو از جمله قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند (به صورت فردی یا گروهی) به آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده است. ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بدون اشاره به مصادیق، زیان بزه‌دیده را شخصی

دانسته که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود و چنانچه تعقیب مرتکب را در خواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود. به هر روی، منظور از قربانی کسی است که از جرم و یا عمل خسارت‌بار غیر مجرمانه (شبه جرم)، متضرر شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲).

در فرهنگ معین، کودک به کوچک از هر چیز، بچه، نوزاد، بچه کوچک انسان اطلاق شده است (معین، ۱۳۶۲، ص ۲۰۴) و در ترمینولوژی علم حقوق نیز کودک، همان صغیر معنا شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳۹) از دیدگاه حقوقی، کودک و صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی نرسیده باشد (آقاییگلو، ۱۳۸۰، ص ۱۳). ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند بین‌المللی که در تاریخ ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است و کشور ما نیز در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته، کودک را چنین تعریف کرده است که: «منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». به هر روی صرف نظر از اشکال‌های حقوقی وارد بر سن مسئولیت کیفری کودک، حمایت از کلیه افراد زیر ۱۸ سال در برابر آسیب‌های جسمی، روانی و جنسی در شمول قانون حمایت از کودکان و نوجوانان قرار دارد. همچنین مجازات بزهکاری علیه طفل باید به گونه‌ای باشد که از بزهکاری پیشگیری کرده و برای بزه‌دیده نیز مفید و منتهی به جبران خسارت‌های وارد بر وی شود. بنابراین وقتی رفتار آسیب‌زا علیه کودکان ترویج یابد، قانون‌گذار باید نسبت به جرم‌انگاری این اعمال در خصوص مرتکبان و نیز حمایت از حقوق کودکان و پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدی آنان اقدام کند. جرم‌انگاری یک رفتار که از یک کودک بزه‌دیده می‌سازد، باید به گونه‌ای باشد که موجب پیشگیری از ارتکاب جرم از سوی بزهکاران بالقوه شود (عباچی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). در این نوشتار مقصود از کودک فرد زیر ۱۸ سال اعم از کودک و نوجوان است.

بزهکاری اطفال: لفظ کودک بزهکار^۱ در اسناد بین‌المللی تعریف نشده و به جای آن واژه مجرم نوجوان^۲ بکار رفته که به کودک و فرد نوجوانی اطلاق می‌شود که متهم به ارتکاب جرمی شده یا محرز شده که جرمی

1. Juvenile Delinquency

2. Juvenile Offender

را مرتکب شده است (عباچی، ۱۳۸۸، ص ۳۶). این امر تا حدی در حوزه جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی نیز ملاحظه می‌شود. چنانچه ماده ۱۴۶ بر فقدان مسئولیت کیفری کودکان، تأکید و مطابق ماده ۱۴۸ با توجه به سن کودک یا نوجوان مرتکب، حسب مورد امکان اعمال یکی از موارد پنجگانه مندرج در ماده یادشده برای تأدیب وی در جرائم تعزیری پیش‌بینی شده و اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی برای متهم نابالغ مجاز شمرده شده است. بر این اساس در خصوص کودکان ۹ تا ۱۲ سال که شامل دختران بالغ و پسران نابالغ می‌شود می‌توان کودک را به والدین یا اولیای قانونی او و در صورت نبود امکان و قبول والدین و اولیای قانونی به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر، تسلیم کرد و یا به وسیله قاضی وی را مورد نصیحت قرار داد. نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال که دختران بالغ و پسران نابالغ را شامل می‌شوند، حسب مورد اخطار و تذکر دریافت می‌کنند یا از ایشان تعهد کتبی در خصوص پرهیز از تکرار جرم دریافت می‌شود و نیز امکان نگهداری ایشان از سه ماه تا یک سال در کانون اصلاح و تربیت در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ وجود دارد.

بندهای ماده ۸۸ بر اساس اهمیت و شدت جرم ارتكابی طبقه‌بندی شده‌اند و بدین سان هماهنگی مناسبی میان عمل ارتكابی و واکنش اجتماعی برقرار شده است. یکی از نوآوری‌های این قانون توجه ویژه به بالغان زیر ۱۸ سال است. در گذشته به محض رسیدن طفل به سن بلوغ، مسئولیت کیفری تام و مجازاتی هم‌پایه بزرگسالان بر فرد بالغ زیر ۱۸ سال اعمال می‌شد و فقط با استفاده از قابلیت‌های ماده ۲۲ قانون سابق، امکان اعمال تخفیف نسبت به متهم به جهت پاره‌ای شرایط وجود داشت اما ماده ۸۹ قانون فعلی، جرائم تعزیری ارتكابی از سوی نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال را مشمول بندهای ماده یادشده قرار داده و به جای مجازات‌های تعزیری مندرج در ماده ۱۹، بر اساس شدت و درجه جرم تعزیری یکی از اقدامات نگهداری کودک در کانون اصلاح و تربیت، پرداخت جزای نقدی، انجام خدمت عمومی، اقامت در منزل و نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته را پیش‌بینی کرده است. تسهیلات پیش‌بینی شده در مواد ۸۹ تا ۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص جرائم مستوجب دیه و حد که بسیاری از جرائم منافی عفت را در بر می‌گیرد و قصاص حسب مورد، کودک دارای مسئولیت تام خواهد بود. وفق ماده ۹۲ این قانون، پرداخت دیه و نیز خسارات ناشی از جرم بر عهده کودک است. البته در خصوص قصاص و حد نیز برخلاف رویه سابق که اجرای تام مجازات‌های یادشده را

مجاز می‌شمرده، اجرای مجازات‌ها منوط به درک ماهیت جرم یا حرمت آن از سوی کودک است. مبنای تشخیص قوه ادراک و عقل کودک وفق تبصره ماده ۹۱ همان قانون، نظریه پزشکی قانونی است. اعمال تخفیف در مجازات‌های مندرج در مواد ۸۸ و ۸۹، تقلیل میزان مجازات به حداقل نصف مجازات قانونی، تبدیل اقدامات تأمینی به نوع دیگر، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات از دیگر اختیارات قاضی در خصوص جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان زیر سن ۱۸ سال وفق قانون جدید مجازات اسلامی است. تصریح ماده ۹۵ قانون بر پرهیز از درج سوء سابقه کیفری در سجل کیفری کودکان و نوجوانان به جهت جرائم ارتكابی در رده‌های سنی موصوف و نیز نبود امکان اعمال قواعد تکرار جرم در خصوص جرائم کودکان وفق ماده ۱۳۸، از دیگر نقاط قوت قانون یادشده است.

از دیدگاه جرم‌شناسی، کودک یا نوجوان بزه‌کار فردی است که شخصیت وی در حال شکل‌گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است. در حالی که شخصیت بزرگسال در گذشته شکل گرفته است. علم جرم‌شناسی، کودک یا نوجوان بزه‌کار را مجرمی می‌داند که کمتر از سن معینی بوده ولی مرتکب عملی شده که اگر فرد بزرگسالی نیز مرتکب همان عمل شده باشد مجرم شناخته می‌شود (کاشفی، ۱۳۷۹، ص ۴۵). بزه‌کاری کودکان دارای ویژگی‌هایی از جمله اتفاقی بودن بزه‌کاری یعنی ارتکاب جرم به علت ناآگاهی و بی‌توجهی به نتایج حاصل از اعمال، پیروی از احساسات و عواطف و ارتکاب بدون سابقه تصمیم و پیش‌بینی قبلی جرم، ساده بودن بزه‌کاری کودکان با توجه به سن مرتکب و نوع محیط زندگی و مانند آن است (نجفی توانا، ۱۳۸۵، ص ۶۴)؛ فقدان خشونت، گروهی بودن بزه‌کاری کودکان، نسبی بودن بزه‌کاری کودکان و ارتباط جرم با عوامل اجتماعی مبتنی بر جنس و سن است. اهمیت ویژه بزه‌کاری کودکان به دلیل لزوم مصونیت جامعه از کودکان بزه‌کار از یک سو و لزوم اعمال اقدامات مناسب برای اصلاح کودکان بزه‌کار از سوی دیگر است. به همین خاطر با وجود فقدان مسئولیت کیفری کودکان، بکارگیری تدابیر تأمینی، تأدیبی و تعزیری در مورد آنها ضروری است.

با عنایت بر آنکه بزه‌کاری کودکان نتیجه طبیعی یا غیر طبیعی رشد آنان از خردسالی به نوجوانی و یا یک‌سری عوامل خارجی چون خانواده، اجتماع، محیط و عوامل شخصی همچون وراثت و ژنتیک است، بنابراین پاسخگویی متمایز به اعمال مجرمانه کودکان، ضروری است. در برخی جرائم جنسی به شرحی که در بخش سوم این مقاله خواهد آمد، نوجوان بزه‌دیده، بزه‌کار نیز هست و مقابله کیفری با وی

در نظام حقوقی کشورمان به رسمیت شناخته شده است. این نوشتار با تأکید بر جنبه بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان اعم از بزه‌کار و ناکرده بزه، موضوع جرائم جنسی علیه کودکان را بررسی کرده است.

جرائم جنسی ارتكابی علیه کودکان در نظام حقوقی ایران: جرم جنسی عبارت است از هرگونه روابط جنسی است که از حدود متعارف قوانین کیفری فراتر و مستلزم عقوبت و مجازات باشد. از واژه جرائم جنسی در قانون مجازات اسلامی به طور مستقیم مورد اشاره قانون‌گذار قرار نگرفته است لکن در مواد مختلفی از قوانین کیفری مورد توجه قانون‌گذار بوده و از جمله آن می‌توان در بخش حدود به زنا، لواط، مساحقه، قوادی و قذف و در فصل هجدهم بخش تعزیرات با عنوان جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی اشاره کرد. بر این اساس در حقوق ایران، جرائم مرتبط با هرزه‌نگاری و فروش کودکان را می‌توان زیر سه عنوان کیفری جرائم مشمول حد، دیه و تعزیر به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

اعمال مجرمانه مشمول حد: زنا از جمله جرائم حدی و دارای صور متعددی است و مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آن از شلاق تا اعدام است. حد زنا زمانی تحقق می‌یابد که دخول واقع شود، در غیر اینصورت اعمالی چون تخفیز و مانند آن تنها موجب تعزیر خواهد شد و بدان عنوان زنا اطلاق نمی‌شود (الجلبلی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۹، ص ۱۶). از سویی مولج یا به عبارت بهتر فاعل زنا باید بالغ باشد (مجلسی، بی تا، ص ۱۳)؛ بنابراین اگر کودک آلت خود را در فرج زنی داخل کند فقط او را تأدیب می‌کنند، اما حد بر زن (طرف دیگر بالغ) ثابت می‌شود. اگر کودک ولو ممیز اقرار به زنا کند، تنها تأدیب می‌شود، زیرا یا دروغ گفته یا این کار را واقعاً انجام داده است، که در هر دو مورد حد از وی ساقط است، علاوه بر آنکه اقرار صبی اعتباری ندارد (الجلبلی العاملی، ۱۴۱۳ه ق، صص ۱۴-۳۴).

لواط: ارتباط نامشروع میان دو مرد عاقل، بالغ و مختار است و هرگاه این جرم علیه کودک رخ دهد، بالغ کشته می‌شود و فرد نابالغ، طبق نظر و رأی حاکم تأدیب می‌شود. اگر پسر بچه با پسر بچه لواط کنند، هر دو تأدیب می‌شوند (موسوی الخمینی، بی تا، ص ۴۶۹). زیرا منایح حدود در معاصی، تکلیف است و طفل فاقد این شرط است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ص ۵۴). بنابراین به طور کلی می‌توان گفت، در لواط اگر فاعل و مفعول بالغ باشند کشته می‌شوند، اما در صورتیکه هر دو یا یکی از آنها کودک یا غیر مکلف باشد، بالغ کشته و کودک صرفاً تأدیب می‌شود.

مساحقه: در ماده ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی تعریف شده و در صورتیکه مساحقه‌کننده بالغ و عاقل

باشد حد سحق بر وی جاری می‌شود. اگر نابالغ مبادرت به ارتکاب این عمل ورزد یا زن بالغ با دختر بچه مساحقه نماید، نابالغ فقط تأدیب می‌شود و بالغ حد می‌خورد (النجفی، ۱۴۰۴، ق، صص ۳۸۸ و ۳۹۹). در قانون مجازات اشاره‌ای به ارتکاب سحق توسط نابالغ نشده است. از آنجا که مساحقه همچون زنا، لواط، قیادت و مانند آن از جمله جرائم حدی به حساب می‌آید، کودک با ارتکاب آنها مبری از حد بوده و به جای آن تأدیب می‌شود.

قیادت: عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است. قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۲۴۲، متذکر شده حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است و در غیر اینصورت عامل، مستحق تعزیر است. بنابراین در صورتی که کسی دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، موجب حد نیست؛ اما مرتکب به مجازات تعزیری متناسب با جرم و شخص مجرم محکوم می‌شود. چه اینکه امکان تحقق جرم اصلی که همانا زنا یا لواط است از سوی کودکان به طور قانونی متصور نیست و شارع مقدس در صورت ارتکاب این اعمال از سوی آنها قایل به اجرای حد در خصوص ایشان نیست. این حکم بالزوم حمایت از کودکان مغایرت داشته و تخفیف مجازات مرتکب قوادی علیه کودکان وجهی ندارد.

قذف، به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر است و فقها در بحث شرایط قذف، از بلوغ و در نتیجه به ارتکاب این جرم به واسطه کودکان اشاره کرده‌اند. قاذف باید بالغ و عاقل باشد و اگر کودک ولو ممیز، کسی را قذف کند، مطابق اخبار وارده و قاعده رفع، تکلیف از کودک برداشته شده (موسوی الخمینی، بی تا، ص ۴۷۴)، فقط تعزیر می‌شود. مقدار تعزیر و تأدیب به نظر حاکم شرع بستگی دارد؛ در هر حال بر کودک مسلمانی که بالغی را قذف کند، حد جاری نمی‌شود (النجفی، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۱۴). مواد ۲۵۱ و ۲۵۳ قانون یادشده به موجب حد قذف اشاره کرده و اگر قاذف نابالغ نسبت قذف به دیگری دهد، تعزیر می‌شود و در مقابل قذف شونده نیز حین قذف، باید بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد و اگر نابالغ باشد، قاذف فقط تعزیر می‌شود.

اعمال مجرمانه مشمول دیه: از بین بردن بکارت دختر باکره از طریق مقاربت یا هر وسیله دیگر وفق ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم است. این جرم در صورتی محقق می‌شود که رابطه زوجیت بین زن و مرد نبوده و بدون رضایت صورت گرفته باشد. دلیل درج این حکم، امکان ازدواج کودک پیش از سن ۱۸ با رعایت ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی است. رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت

واقعی نداشته در حکم رضایت نداشتن است. باکره بودن یا در حکم باکره بودن دختر برای تحقق این جرم لازم است. احراز سوء نیت مرتکب تنها به صورت عمد در فعل ضروری است و ازاله بکارت به واسطه غیر شوهر، کار حرامی است که به آن تعزیر تعلق می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۴۱، صص ۳۷۳-۳۷۰). ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی به ازاله بکارت از طریق غیر همسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت اشاره می‌کند، از فحواى تبصره دوم همین ماده برمی‌آید که نابالغ نیز ذیل این مسئله می‌گنجد. **اعمال مجرمانه مشمول کیفر تعزیری:** روابط نامشروع مادون حد^۱، شامل اعمال منافی عفتی نظیر تقبیل و مضاجعه است. میزان مجازات مقرر در این جرم، شلاق درجه ۶ است. رفتار فیزیکی این جرم باید با «فعل یا رفتار مثبت» جنسی و جسمی انجام پذیرد. از شرایط تحقق این جرم، بلوغ شرعی مرتکبان است. همچنین عناوین مجرمانه یادشده، تظاهر به فعل حرام^۲، دایر کردن مراکز فساد یا فحشا^۳ و تجارت، توزیع و انتشار محتوای متضمن فساد و فحشا مشمول مجازات تعزیری هستند. تظاهر به فعل حرام همراه با جریحه‌دار کردن عفت عمومی است. البته هتک حرمت باید به درجه‌ای باشد که قابل مسامحه نبوده و به دلیل استعمال کلمه عفت در عنوان، این جرم مربوط به مثال جنسی و ناموسی باشد. عبارت هرکس در صدر ماده ۶۳۸، کودکانی که به سن بلوغ رسیده‌اند را نیز شامل می‌شود. لکن کودکان در صورت ارتکاب به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شوند.

همچنین مطابق با ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. وفق این قانون، محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

۱. ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

۲. ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

۳. ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

برخی جرائم مانند قاچاق انسان^۱، خرید و فروش و بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان برای اعمال مجرمانه، آدم‌ربایی و کودک‌ربایی نیز ممکن است با هدف سوء استفاده جنسی از فرد صورت پذیرد که به عنوان جرائم مرتبط با فحشا علیه کودکان قابل بحث است. بر همین اساس برای نمونه، ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸، قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج معرفی کرده است.

خشونت جنسی گفتاری نیز «گفتار شهوانی» و یا «گفتار خشونت آمیز» است. هرگاه مرتکب با مخاطب قرار دادن فردی، الفاظی را که متضمن مسائل و معانی جنسی است بیان کند مرتکب گفتار شهوانی می‌شود و با مخاطب قراردادن فرد به منظور ارضای غریزه جنسی و لذت جویی از الفاظ زشت، رکیک، توهین آمیز، تهدید آمیز و مانند استفاده کند نیز مرتکب گفتار خشونت آمیز خواهد بود.

هرچند در نظام حقوقی کشورمان بنا بر آنچه گذشت فهرست طولانی از جرائم جنسی وجود دارد ولیکن دو ایراد بر نظام تقنین کشور وارد است؛ نخست آن که اعمال مجازات به تنهایی راهگشا نبوده و مجازات شدید به خصوص اعدام، کمکی به کاهش موارد بزه‌دیدی جنسی کودکان نکرده، بنابراین توسل به اقدامات پیشینی در قالب پیشگیری از ارتکاب این جرائم علیه کودکان ضروری است. همچنین اقدامات پیشگیرانه یادشده از بزه‌کاری کودکان در جرائم جنسی نیز پیشگیری خواهد کرد و امکان اعمال مجازات علیه ایشان ولو به صورت تعزیری را کاهش خواهد داد که این امر در موافقت با تعهدات بین‌المللی کشورمان در کنوانسیون حقوق کودک است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و گردآوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای انجام شد. به این منظور کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های مرتبط مطالعه و ادبیات متناسب با موضوع پژوهش استخراج شد.

۱. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۰۹/۲۵ و ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸

یافته‌ها

راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در جرائم جنسی: پیشگیری شامل اقداماتی است که در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و به‌کارگیری راهکارهای لازم برای جلوگیری از وقوع آن صورت پذیرفته (شیری، ۱۳۸۶، ص ۱۷) و هدف آن کاهش نرخ بزهکاری است (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۷)؛ این امر اعم از روش‌های کیفری و غیر کیفری است. پیشگیری از جرم در معنای خاص عبارت از وسایل و ابزارهایی است که دولت و جامعه مدنی به منظور جلوگیری از بزهکاری و از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا یا مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط طبیعی یا اجتماعی به کار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۲۲). بنابراین روش‌های پیشگیرانه بر عوامل و فرآیندهایی که در بروز بزهکاری نقش تعیین‌کننده دارند اثر می‌گذارد، واجد جنبه جمعی بوده و غیر قهرآمیز و سزاده هستند و پیش از ارتکاب جرم اعمال شوند. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی قوه قضائیه را مکلف به انجام اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان کرده است. ماده ۳۸ قانون احکام دائمی توسعه کشور، تکلیف تنقیح، اصلاح و رفع ناهنجاری‌های قانونی را بر عهده قوه قضائیه نهاده تا ضمن رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین کشور با تقدیم لایحه به دولت به بازنگری مجموعه قوانین کشور بپردازد. این تحولات قانونی باید با رویکردهای پیشگیری از جرم و نیز جرم‌زدایی، کیفرزدایی و متناسب‌سازی جرائم و مجازات‌ها انجام پذیرد. وفق بند ب ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه توسعه کشور نیز قوه قضائیه مکلف به انجام تکالیف قانونی با همکاری دستگاه‌های مرتبط در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعاوی حقوقی شده است. در این حکم قانونی اشاره‌ای به کیفیت یا نوع اقدامات پیشگیرانه یادشده نشده است.

در قانون یادشده، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و سازمان پزشکی قانونی نیز واجد وظایفی در خصوص اصلاح محیط زندان‌ها از طریق اقداماتی نظیر طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت‌شدگان براساس سابقه و نوع جرائم ارتكابی، تفکیک متهمان از محکومان در بازداشتگاه‌های موقت در شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت؛ تحت پوشش خدمات جامع و همگانی سلامت کشور قراردادن زندان‌ها با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور؛ رفع مشکل معیشتی خانواده‌های زندانیان بی‌بضاعت

با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی کشور و سایر نهادهای مرتبط و بیمه سلامت رایگان زندانیان و خانواده آنها؛ و در نهایت تهیه شناسنامه هویت ژنتیکی متهمان، محکومان و متوفیان در راستای برنامه‌ریزی و آموزش برای پیشگیری و کاهش جرائم، تخلفات و آسیب‌های اجتماعی شده‌اند. بند ۱۱۳ قانون برنامه ششم نیز به منظور پیشگیری از وقوع جرم و با هدف کاهش ده درصدی سالانه آمار مجرمان، قوه قضائیه را مکلف به تهیه و تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی کرده است که این امر از طرق مختلف از جمله تهیه لوایح قانونی مورد نیاز صورت می‌پذیرد. هرچند در هیچ یک از قوانین یادشده به اصطلاح جرائم جنسی مرتبط با کودکان و لزوم پیشگیری از آن اشاره نشده اما موضوع و ماهیت بسیاری از اقدامات مندرج با جرائم جنسی علیه کودک مرتبط بوده و تحقق اقدامات یادشده می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در پیشگیری از جرائم یادشده داشته باشد.

پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث: پیشگیری اولیه یا نخستین، دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که به دنبال سالم‌سازی محیط طبیعی و اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زا هستند تا با بهبود شرایط زندگی افراد از بزهکاری جلوگیری کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸)؛ به عبارت دیگر به معنای مصون کردن افراد از ارتکاب جرم از طریق مبارزه با همه زمینه‌های ارتکاب جرم است که در چارچوب توسعه اجتماعی قرار می‌گیرند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۹ و ۱۵۰). این مهم از طریق بهبود شرایط زندگی به منظور پیشگیری از مجرمیت افراد و همچنین بازتولید ارزش‌هایی است که روابط سالم را بهبود بخشد (بیات، ۱۳۸۷، ص ۲۵). اقدامات مربوط به اصلاح شرایط محیط فیزیکی و محیط اجتماعی از اصلی‌ترین تدابیر پیشگیری اولیه به شمار می‌روند. تقویت باورهای دینی و رشد فضایل اخلاقی، ترویج تدابیر پیشگیری وضعی مانند سخت‌تر کردن هدف و کاهش فرصت، توسعه رفاه و سلامت از طریق مبارزه با تمام اشکال محرومیت اجتماعی، ارتقای ارزش‌های اجتماعی و احترام به حقوق اساسی بشر، ارتقای مسئولیت مدنی و رویه‌های میانجیگری اجتماعی، جلب مشارکت عموم مردم و تشویق آنها به پیشگیری از جرم و در نهایت ایجاد نهادها و سازمان‌هایی برای پیشگیری از جرم، از جمله مهمترین مصادیق پیشگیری یادشده است.

پیشگیری ثانویه یا دومین^۱، به کارگیری شیوه‌هایی است که به حمایت از افراد در آستانه خطر از قبیل معتادان، ولگردان و کودکان بی سرپرست و خیابانی می‌پردازد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۹ و ۱۵۰). با به کارگیری تدابیر مناسب و زود هنگام، می‌توان از وقوع جرم توسط افرادی که در شرایط بحرانی به سر می‌برند و احتمال بزهکاری از سوی آنها وجود دارد پیشگیری کرد.

پیشگیری ثالث یا سومین^۲، برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه در قالب تکرار جرم است تا مجرمان، اصلاح و با محیط اجتماعی خود سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند (بیات، ۱۳۸۷، صص ۲۵). این مهم از طریق مشاوره برای افراد در معرض خطر و بر اساس شرایط سنی، جنسیتی و مانند آن، تدابیر پیشگیرانه مربوط به بازتوانی بزهکاران یا اشتغال و سامان‌دهی آنان در جامعه و همچنین اقدامات پیشگیرانه مربوط به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی در جرم سرقت یا خشونت‌های خانوادگی، تحقق می‌یابد. بخشی از این اقدامات به پیشگیری مقطعی از ارتکاب بزه و بزه‌دیدگی می‌انجامد و برخی از آنها بر اصلاح بنیادین شرایط جامعه است. بنابراین در دو بخش پیشگیری وضعی و اجتماعی، موضوع بررسی خواهد شد.

پیشگیری وضعی: پیشگیری وضعی در برگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری برای از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش از ارتکاب جرم از طریق تغییرات محیطی، کنترل بزهکاران و حفاظت از بزه‌دیدگان است (میرخلیلی، ۱۳۸۷، صص ۲۹۷). این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، هدف و موضوع جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که تحقق کامل فرآیند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد (بیات، ۱۳۸۷، صص ۴۳ و ۴۲). از جمله روش‌های پیشگیری وضعی از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب ناپذیر بوده و یا رفع آنها هزینه‌های زیادی

1. Secondary Prevention

2. Tertiary Prevention

را تحمیل می‌کند، است. بدیهی است در پیشگیری وضعی مقصود از بزه‌دیده، عامل مؤثر در جرم است و نه قربانی صرف. بنابراین در جرائم جنسی این پیشگیری بسیار کارآمد است زیرا نخست، بالا بردن ضریب ایمنی بزه‌دیده بسیار آسان‌تر از منصرف کردن بزه‌کار از ارتکاب جرم است زیرا گاهی تحت تأثیر امیال و غرایز درونی طبیعی کنترل نشده اقدام به تجاوز جنسی می‌کند، دوم، به خاطر پیامدهای بسیار منفی این جرم بر روحیه و روان بزه‌دیده و نگرانی بزه‌دیدگان بالقوه به ویژه زنان و کودکان از این موضوع، می‌توان به شکل فعال‌تری از بزه‌دیده احتمالی برای پیشگیری کمک گرفت (حدادزاده نیری، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

همچنین ویژگی‌های آماج جرم و بزه‌دیدگان نیز در این میان اثرگذار است. سهل‌انگاری یا غفلت بزه‌دیده یا رفتار تحریک‌آمیز وی باید بررسی و کنترل شود. رفتار کودک و نوجوان، نوع پوشش، انتخاب صحیح وسیله رفت و آمد، گزینش راننده سرویس مدارس، رعایت احتیاط در رفت و آمد به مکان‌های خلوت و یا در ساعات تاریکی شب، اطلاع داشتن آنان در زمینه مباحث امنیتی و مانند آن، می‌تواند حسب مورد نقش تسهیل‌کننده ارتکاب جرم یا پیشگیری از وقوع جرم را داشته باشد. همچنین بسیاری از جرائم جنسی علیه کودکان در محیط آموزشی یا از سوی افرادی که به طور قانونی با طفل در ارتباط هستند واقع می‌شود و با کنترل این وضعیت‌ها می‌توان به کاهش بزه‌دیدگی کودکان کمک کرد.

با توجه به ویژگی‌های یادشده می‌توان مصادیق پیشگیری ثانویه از نوع وضعی را به شرح زیر تبیین کرد:

- ۱- کنترل وضعیت‌های مشرف بر ارتکاب جرم، افزایش خطر دستگیری و کشف جرم برای انصراف مجرم از ارتکاب جرم که می‌تواند از سوی مأموران پلیس یا مسئولان مرتبط صورت می‌پذیرد؛
- ۲- کنترل برنامه یا ابزارهایی مانند وسایل حمل و نقل عمومی (تاکسی‌های اینترنتی، آژانس‌های مسافرتی و سرویس مدارس) که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند. همچنین پالایش مناسب برنامه‌های رایانه‌ای که از ارائه برنامه‌های پورنوگرافی به کودک پیشگیری می‌کند؛

- ۳- ایجاد مانع در سر راه برقراری تماس بین بزه‌کار بالقوه و بزه‌دیده و جرم از طریق شناسایی و توقیف مکان‌هایی که در آن امکان وقوع جرم می‌رود؛

- ۴- حذف جاذبه از بزه‌دیده به ویژه جاذبه‌های جنسی زنانه از طریق حجاب و عفاف و ارائه آگاهی به قربانی فارغ از جنسیت وی نسبت به حقوق جنسی و لزوم حفظ حریم خصوصی خود، البته بدون آن که محدودیت غیر قابل قبولی بر آزادی‌های قربانی وارد آورد؛

۵- افزایش احتمال بازداشت مرتکب از طریق تسهیل روش‌های دادرسی و اثبات جرائم منافی عفت؛
 ۶- بی‌ارزش کردن یا حذف آماج جرم با بالا بردن سطح آگاهی کودکان و نوجوانان نسبت به روش‌های خدعه‌آمیز مرتکبان بالقوه جرائم جنسی مانند وعده‌های ازدواج و امکانات رفاهی و نیز آموزش فنون دفاع شخصی برای دفاع از خود، هشدار به قربانیان مناطقی که بیشتر در ساعات شب محل تجمع اشخاص بزهکار است و مانند آن؛

۷- توسعه تحقیقات، شناسایی مرتکبان جرم و نصب دوربین در مناطق مستعد جرم.

با وجود تمام نکات یادشده، پیشگیری وضعی تنها در مورد جرائم با سابقه تصمیم قبلی، آن‌هم با آثار پیشگیری موقتی قابل اجراست و در همان زمان و مکان خاص نتیجه بخش بوده و فراتر از آن اثری ندارد. بنابراین بیشتر به محض تغییرات اندکی در محیط پیرامون این اقدامات، بی‌اثر می‌شود. به عبارت دیگر بزهکار با دیدن موانع در هنگام تعرض به یک هدف خاص منصرف می‌شود، ولی تصمیم وی به ارتکاب جرم از بین نمی‌رود و هدف دیگری که مورد محافظت نیست را انتخاب می‌کند. هزینه بالای پیشگیری وضعی در عمل اجرای آن را با چالش مواجه می‌سازد. به ویژه آن‌که برای همیشه وسوسه‌های جرم را از بین نمی‌برد و در حقیقت نوعی مسکن است. بنابراین هزینه‌های فراوان صورت گرفته اثربخشی درازمدت ندارد. **پیشگیری اجتماعی**^۱: پیشگیری اجتماعی مشتمل بر تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد فرد، بهبود شرایط زندگی وی و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (نیازپور، ۱۳۸۳، صص ۱۷۰-۱۷۲). در این نوع از پیشگیری توجه به فرد بزهکار و محیط رشد وی معطوف می‌شود (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱). بنابراین کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی از طریق اعمال تغییر در شرایطی که منتهی به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی می‌شود (عباچی، ۱۳۸۳، صص ۶۱ و ۶۰)، هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی، شناخت علل ارتکاب جرم اعم از فردی و اجتماعی و برطرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی (بیات، ۱۳۸۷، صص ۴۷ و ۴۸) و تقویت بنیادهای مؤثر بر گروه‌های در آستانه خطر، برای تقویت جامعه‌پذیری فرد و هم‌نوا کردن فرد با قواعد اجتماعی (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۸ و ۱۴۹) از جمله اهداف پیشگیری اجتماعی هستند. در تقسیم‌بندی تخصصی، پیشگیری اجتماعی به دو

گونه پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار تقسیم می‌شود. مقصود پیشگیری جامعه‌مدار، خنثی کردن عوامل جرم‌زا در محیط و مقصود از پیشگیری رشدمدار، مجموعه اقدامات در خصوص کودک است که مظاهر بزهکاری را به نمایش می‌گذارد تا از طریق مداخلات تخصصی بر وی و محیط پیرامون او از مزمن شدن بزهکاری نسبت به او جلوگیری شود.

دلیل توسل به این مداخلات، سیر رشد کودک است که با حرکت کودک از خانواده به جامعه پیش می‌رود. پس از ورود کودک به مدرسه، وی ساعات قابل توجهی از روز را در مدرسه و با معلمان و دوستان سپری می‌کند و در دوران نوجوانی وارد گروه همسالان می‌شود و در تمام این ادوار از نهادهای یادشده اثر می‌پذیرد. بنابراین اگر بتوان با ورود به این نهادها و محیط‌های مهم و تأثیرگذار، بر تفکرهای کودک و بازاجتماعی و هنجارپذیر کردن وی اثر گذارد، می‌توان به کاهش ارتکاب جرم از سوی او در آینده امیدوار بود. پیشگیری زودرس، یعنی مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در فرآیند رشد کودکان، برای جلوگیری از عوامل خطرسازی که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه پایدار را از سوی آنها در آینده افزایش می‌دهد. عوامل خطر در این پیشگیری، مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی است که پدیداری، پیوستگی و پایداری رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان به همراه دارد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۱). این مداخله زودرس نسبت به کودک، خانواده و مدرسه یعنی محیط اطراف وی صورت می‌پذیرد و به عبارت دیگر در پیشگیری رشدمدار، علاوه بر شخص کودک، محیط اطراف وی نیز مورد توجه عملیات تربیتی و فنی است. بررسی اختلالات رفتاری و روانی طفل و تقویت قدرت شناخت و تمیز وی، هدف این نوع اقدامات قرار می‌گیرد تا هرگونه اختلالات رفتاری ناشی از قصور والدین در تربیت، قصور اولیا مدرسه در تعامل با کودک و یا ناشی از تعامل قهرآمیز و منفی بین نوجوانان و گروه دوستان کنترل شود.

روابط ناموزون و قهرآمیز بین کودکان و والدین، اقدامات تنبیهی و تشویقی بی ضابطه، بی‌اعتنایی نسبت به رفتار کودک از جمله عوامل خطر در سطح خانواده، استمرار حالت پرخاشگری، وجود رفتارهای مخالفت‌آمیز و منفی، آرامش نداشتن و بیش‌فعالی و فقدان یا کمبود رفتار سازنده در تعامل با دیگران و همسالان از جمله عوامل خطر در سطح رفتار کودک؛ همچنین ضریب هوشی پایین، شکست تحصیلی، عقب‌ماندگی تحصیلی، فقدان تمرکز و آینده‌نگری و نپذیرفتن نظارت دیگران از جمله عوامل خطر در

سطح شناخت و در نهایت آمیزش با همسالان منحرف و طرد فرد از سوی همسالان اجتماعی متعارف، از جمله عوامل خطر در سطح دوستان را تشکیل می‌دهند.

از مهم‌ترین علل ارتکاب جرم می‌توان به فقر و توسعه نیافتگی ناشی از محرومیت اجتماعی به ویژه در مورد نوجوانان، خانواده‌های نامناسب و از هم پاشیده، خشونت و اختلافات خانوادگی، وجود فرهنگ منفی بزهکاری در جامعه، در دسترس بودن وسایل ارتکاب جرم مانند سلاح گرم و مواد مخدر، تبعیض و محرومیت ناشی از جنسیت، نژاد و سایر اشکال بی‌عدالتی، زندگی در نواحی حومه‌ای شهری و حاشیه‌نشینی و نظارت ناکافی بر اماکن، اشاره کرد. بررسی عوامل یادشده، این نکته اساسی را آشکار می‌کند که حضور کودکان در شرایط مخاطره‌آمیز، میل به ارتکاب جرم را در ایشان افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان با افزایش موانع و دردسرهای ارتکاب جرم، افزایش خطرات قابل پیش‌بینی جرم و کاهش منافع قابل پیش‌بینی جرم به پیشگیری ثانویه از ارتکاب جرم مبادرت ورزید. توضیح آنکه سخت کردن آماج جرم، کنترل دسترسی به آماج جرم، منحرف کردن بزهکاران از آماج جرم و کنترل وسایل تسهیل‌کننده جرم می‌تواند به دشوار شدن ارتکاب جرم کمک کند. ایجاد موانع فیزیکی در مقابل مجرمان مانند تقویت قفل در، نصب نرده فلزی روی پنجره، استفاده از قفل‌های پشت در، انسداد خیابان‌ها برای پیشگیری از ورود افراد غیر محلی به یک منطقه با اتومبیل و مانند آن، از جمله روش‌های مناسب برای افزایش دشواری ارتکاب جرم هستند. برای افزایش خطرات قابل پیش‌بینی جرم نیز می‌توان به توسعه محافظت، کمک به نظارت طبیعی، استفاده از مدیران محلی در پیشگیری و تقویت نظارت رسمی پرداخت. از مصادیق این اقدامات که منتهی به افزایش مخاطرات ارتکاب جرم می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

افزایش مراقبت همسایگی (یا مراقبت محله) و افزایش مراقبت از کودکان، برداشتن موانع بصری روبروی منازل و افزایش فضای قابل دید در طراحی مجتمع‌های مسکونی، صدور کارت شناسایی برای رانندگان تاکسی و الزام آنان به الصاق آن روی شیشه جلو اتومبیل و امکان مشاهده آن توسط مسافران، آموزش کارکنان مؤسسه‌های عمومی و خصوصی و استفاده از آنان در برقراری یا تقویت محافظت از محیط و اموال، تقاضای همکاری از دربان‌های هتل و مدیران و سرایداران ساختمان‌ها و نگهبانان پارک‌ها، نصب دوربین‌های مدارس در نقاط معین و مانند آن. همچنین برای کاهش منافع قابل پیش‌بینی جرم نهان کردن آماج نیز توصیه می‌شود.

با توجه به آنچه در این نوشتار به دنبال تبیین پیشگیری از وقوع جرائم جنسی علیه کودکان نوشته شد؛ به نظر می‌رسد که پس از انتخاب پیشگیری غیر کیفری، از میان انواع آن، پیشگیری اجتماعی مناسب‌تر باشد، زیرا پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از بزهکاری یعنی جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل با حذف یا خنثی کردن عوامل مؤثر در تکوین جرم است. حال آنکه پیشگیری وضعی، بیشتر با حمایت از آماج جرم و نیز بزه‌دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد یا آماج در برابر بزهکاران مانند استقرار پلیس در فضای جغرافیایی معین یا گشت‌های پلیسی در مکان‌ها و محله‌ها است که در نهایت و به طور غیر مستقیم کاهش جرم، نتیجه آن خواهد بود. همچنین پیشگیری اجتماعی، پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب بزه، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن‌ها می‌کند تا از این طریق از ایجاد تمایلات و انگیزه‌های مجرمانه در افراد جامعه جلوگیری کند. بنابراین، شیوه‌های پیشگیری اجتماعی بیشترین تمرکز را بر برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد تا به بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های آموزشی و اوقات فراغت دارد و ایجاد محیطی سالم بیانجامد. پیشگیری اجتماعی، مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند، تأثیر می‌گذارد؛ البته اجرای تدابیر پیشگیری اجتماعی، نیز تنها در صورتی امکان‌پذیر است که جامعه مدنی و همه مردم در برنامه‌های پیشگیری مشارکت داشته باشند. گفتنی است توضیحات یادشده به معنای نامطلوب بودن رویکرد وضعی در زمینه پیشگیری از جرائم جنسی نبوده و استفاده از روش‌های اخیر نیز نقش مؤثری در کاهش نرخ بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

با شیوع ارتکاب جرائم جنسی علیه کودکان و نوجوانان و ارتباط این امر با نظم عمومی و امنیت اجتماعی، ضرورت انتخاب واکنش پیشینی نسبت به بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در جرائم جنسی از اهمیت بسزایی برخوردار است به طوری که هر نوع واکنشی در این زمینه را نمی‌توان مؤثر دانست. بنابراین در راستای پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوان که گاهی به بزهکاری آنان نیز می‌انجامد، انتخاب نوع

پیشگیری و تبیین برنامه‌ای مدون و مستمر در این رابطه مفید است. پیشگیری وضعی، بر محیط، سبک زندگی و فعالیت روزمره افراد متمرکز است و مشارکت افراد جامعه را می‌طلبد و در صورتی که آماج و اهداف جرائم به درستی محافظت شوند، فرصت‌های ارتکاب جرم در سطح جامعه از بین می‌روند، خطر دستگیری مرتکبان افزایش می‌یابد و امکانات و فرصت‌های مشروع و برابر برای بسیاری از مرتکبان بالقوه فراهم می‌شود و نرخ ارتکاب بزه از طریق توسل به پیشگیری وضعی کاهش می‌یابد.

پیشگیری اجتماعی، مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند، تأثیر می‌گذارد و این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود وضعیت بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن با مشارکت جامعه مدنی و مردم ایجاد کند. در راستای پیشگیری از وقوع جرائم جنسی، اصلاح برنامه‌ها و متون درسی دوره آموزش عمومی با افزودن آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی، تهیه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر اساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور و نظام جامع رصد آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها، خدمات‌رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت بخش غیر دولتی، تحت پوشش قراردادن و تمهید تسهیلات اشتغال برای کلیه افراد واجد شرایط و اختصاص اعتبار مورد نیاز برای این منظور، توسعه مراکز فوریت‌های اجتماعی، بسط و توسعه نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه مشارکت‌های گروهی و تلاش برای جلب مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در تأمین منابع مورد نیاز، شناسایی و بهبود نقاط آسیب‌خیز در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن به حمایت‌های اجتماعی، خدمات بهداشتی درمانی، مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی و برنامه‌های اشتغال حمایت‌شده، بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی و ترویج مهاجرت معکوس از طریق آمایش سرزمین، توزیع مناسب جمعیت و منابع و جلوگیری از بروز و تشدید آسیب‌های اجتماعی در این مناطق با ایجاد شغل و سکونتگاهی مناسب در روستاها، برنامه‌ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی و رفع فقر و ساماندهی کودکان کار از وظایف نهاد‌های مسئول در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

فهرست منابع

- آقابیکلو، عباس. (۱۳۸۰). کودک آزاری. تهران: کتاب آوند دانش.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم)، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- الجبلی العاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حدادزاده نیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی در جرائم جنسی به عنف. ماهنامه دادرسی، (۷۵)، صص ۳۹-۴۱. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/477503>
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم. مجله حقوقی دادگستری، (۴۸ و ۴۹)، صص ۱۲۳-۱۶۸. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/file/download/article/20120329110345-2101-81.pdf>
- شیری، عباس. (۱۳۸۶). نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، (۲)، صص ۱۵-۵۲. قابل بازیابی از: http://cps.jrl.police.ir/article_13415.html
- عباچی، مریم. (۱۳۸۸). حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. تهران: مجد.
- عباچی، مریم. (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان. مجله حقوقی دادگستری، (۴۷)، صص ۴۹-۸۶. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/221626>
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰) جرم‌شناسی کاربردی. مهدی کی‌نیا، مترجم. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (بی‌تا). حدود، قصاص و دیات. تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- موسوی الخمينی، روح‌الله. (بی‌تا). تحریر الوسیله. نجف: مطبعة الآداب.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۴۲۷ ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله.
- میرخلیلی، محمود. (۱۳۸۷). توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری. مجله مطالعات حقوق خصوصی. (۳)، صص ۲۹۷-۳۱۶. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/881855>
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۵). ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان (از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی). تهران: آموزش و سنجش.
- نجفی، محمدحسن بن باقر. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران. مجله حقوقی دادگستری، (۴۸ و ۴۹)، صص ۱۶۹-۲۲۶. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/484554>